



ترجمه‌امون
مؤسسه
کتابخانه

ننین، استالین:

مبارزات دهقانی در باره:



۱۱
۱۳
۱۵

www.KetabFarsi.com

استالین - مجموعه آثار، ص ۲۱۶ چاپ
انگلیسی جلد اول

مسئله ارضی

نظم کهن می گسلد، روسناها درطفیا نند. دهقانان، که
همین دیروز سرکوب و تاروما رشدند، امروز زیبا خاسته و کمر راست
کرده اند. جنبش دهقانی که تا همین دیروزی بی اور بود، اینک
همچون سیل خروشان نظم کهن را جاروب میکند؛ از سر راهم
دور شو - و گرنه ترا جاروب خواهم کرد!

"دهقانان زمین اربابان را می خواهند"، "دهقانان
خواستار محبوبقایای سرواژ هستند" - اینها هستند فریادهای تیکه
اینک از روستاها و دهکده های طفیان زده روسیه شنیده میشود.
آن کس که تصور میکند میتوان دهقانان را با گلوله
خاموش ساخت، در خیال باطلی بسر میبرد؛ زندگی نشان داده -
است که اینکار تنها شعله های جنبش انقلابی دهقانان را افرو
خته، روسوزان ترمی سازد.

و آنان که می کوشند دهقانان را با وعده های تو خالی
و "بانک های دهقانی" - به اعمال بکشانند نیز در اشتباهند:
دهقانان زمین میخواهند، آنها در روه یای این زمین بسر
میرند و البته آنها را می نخواهند شد مگر اینک زمینهای
اربابان را تصرف کنند. این وعده های تو خالی و "بانک های
دهقانی" به چه درد آنان می خورد؟

دهقانان خواهان تصرف زمین اربابان هستند. بدین
لحاظ آنان خواهان محبوبقایای سرواژ بوده و آنها تیکه نمی -
خواهند دهقانان را بفریبند می بایستی بکوشند تا مسئله ارضی

را دقیقاً "برای اساس حل نمایند."

اما دهقانان چگونه میتوانند زمینهای اربابان را به
ملک خویش درآورند؟

گفته میشود: "خرید زمینها با شرایط
آسان." این آقایان به ما میگویند، دولت و اربابان
زمینهای اضافی بسیاری در اختیار دارند، چنانچه دهقانان
این زمینها را خریداری کنند، همه چیز خود بخود درست میشود، و
به این ترتیب گرگها آرام گرفته و گوسفندان را به حال خود
میگذارند. اما آنها نمی پرسند پس از اینکه دهقانان نه فقط
ارزول بلکه نااعمال اسحوان عاریت شده اند، ناچار
مباشند زمینها را بخرند. آنها لحظه ای نمی اندیشند که
اگر چنانچه فراریان در زمین خریداری نمود، بدترین زمینها به
دهقانان قایل شده، در حالیکه اربابان بهترین زمینها را
برای خود نگه خواهند داشت، همانطور که به هنگام آزادی -
سرفها! موقوف به اینکار شدند. علاوه، چرا دهقانان
در مسی را که سالها منطبق به آنها بوده، خریداری کنند؟
مگر زمینهای دولت و اربابها با بهره، جان دهقانان آبیاری -
سده است. آیا این زمینها منطبق به دهقانان نیست؟ آیا
دهقانان را از مزارع بدران و اجداد خود محروم کردند؟ این
حکومت عدالتی است که میگوید دهقانان زمینهای را که از آنها
گرفته شده، باید بخرند؟ و آیا مسئله جیش دهقانی، مسئله
خرید و فروش است؟

آیا هدف جیش دهقانی رهائی دهقانان نیست؟ اگر دهقانان
خود را از زیر یوغ سرواز آزاد سازند چه کسی اسکار را خواهد
کرد؟ و باره، این آقایان ما میگویند چنانچه کمی پول نقد
به اربابها داده شود، آنها دهقانان را آزاد خواهد ساخت. و -

با و رداریدیانه، این " آزادسازی " قرار است تحت هدایت
بوروکراسی تزاری اجرا شود، همان بوروکراسی که پیش از یکبار
باتوپ و تنگ به سراغ دهقانان گرسنه رفته است! ...
خرا خریداری زمینها دهقانان رانجات نخواهد داد، هر
کس که دهقانان را راهنمایی میکند تا " خرید زمینها با شرایط
آسان " را بپذیرند، بگواش است زیرا او میکوشد دهقانان را در
دام عوامل مستغلابی گرفتار کند و خواهان رهایی دهقانان
بدست خودشان نیست.

از آنجا که دهقانان خواهان تصرف زمین اربابان
هستند، از آنجا که میبایستی بدین ترتیب بقایای سرواژرا -
نابود کنند، از آنجا که " خرید زمینها با شرایط آسان " آنها
رانجات نخواهد داد، از آنجا که امر رهایی دهقانان بایستی
توسط خود دهقانان انجام پذیرد، بنابراین کوچکترین تردیدی
باقی نمی ماند که تنها راه این است که زمین اربابها
گرفته شود، یعنی این زمینها مصادره گردند.

این است راه رهایی.

مسئله این است که - مصادره زمینها تا چه حد بایستی
پیش رود؟ آیا حدی دارد، و آیا دهقانان بایستی بخشی از زمینها
را تصرف کنند تا تمامی آنها را؟

عده ای میگویند گرفتن همه زمینها زیاده روی است، گاه
فی است تنها بخشی از زمینها گرفته شود تا دهقانان راضی شوند،
فرض کنیم اینطور باشد، ولی چنانچه دهقانان زمین بیشتری
بخواهند چه باید کرد؟ مانعی توانیم جلوی آنها بایستیم و بگویم
شیم: صبر کنید! جلوتر بروید!

این کار ارتجاعی است! و آیا حوادث روسیه نشان نداده -
اند که دهقانان خواهان تصرف کلیه زمینها هستند؟ بعین الاوجه

درفس " بحی ارمینها " چه معنی میدهد؟ حد بحثی
ارمین اربابها باید گرفته شود، یک دوم یا یک سوم؟ چه کسی
باید این منکل را حل کند - فقط زمینداران یا زمینداران با -
نفاق دهقانان؟ همانطور که می بینید، این سیوه رمیندهای
بسیاری برای عوامل مستعلاقی باقی می گذارد، هنوز زمینها
معامله بین ارباب و دهقانان وجود دارد، و این کار را با
با وظیفه رهایی دهقانان درصدا دانست، دهقانان با بسنی
بکار برای همیشه بیامورید که نه فقط لارم است با اربابان
خانه برزند، بلکه لارم است با آنها بکنند.

ما بایستی انجیاد سرواژ را اصلاح کنیم، بلکه باید آنرا
ببویساریم، بطوریکه بقایای سرواژ برای همیشه محو گردد.
" گرفس فقط بحی " از زمینها به معنای وصله کردن سرواژ
است، که با وظیفه رهایی دهقانان سازگار است.

مسلمانان " نهار راه اینستکه تمامی زمینهای اربابان
از آنها گرفته شود، تنها اینکار جنبش دهقانی را قادر میسازد
دستیابی به هدف خویش خواهد ساخت، تنها اینکار میتواند
انرژی مردم را بکشد، تنها اینکار میتواند بقایای فیصل
نده، سرواژ را جاروب کند.

بنابراین، جنبش کنونی در مناطق روستائی یک جنبش
دهقانی دمکراتیک است، هدف این جنبش زدودن بقایای سرواژ -
است، برای زدودن این بقایا ضروری است تمامی زمینهای
اربابان و زمینهای دولت مصادره شود.

بعضی آقایان ما را متهم کرده و می پرسند: چرا فیصل
سوسیال - دمکراتی خواستار مصادره تمامی زمینها نشده بود؟
چرا، با این اواخر، فقط درباره " تصرف " ابررکی " ها محب

* لغت " بعضی " قطعات " . قطعه زمینهای که پس از لغو سرواژ
در روسیه در ۱۹۶۱ اربابها از دهقانان گرفتند بودند - م. انگلیسی

میشود ؟

آقایان ، علت این بود که ، در سال ۱۹۵۳ ، زمانی که حزب راجع به " اترزکی " صحبت میکرد ، دهقانان روسی هنوز به جنبش کشیده نشده بودند . این وظیفه حزب بود که شعاری را به مناطق روستایی ببرد که قلوب دهقانان را شعله ور کند و آنها را علیه بقایای سرواژ برانگیزاند .

ماده " اترزکی " دقیقاً " چنین شعاری بود ، زیرا " اترزکی " بطور زنده بی عدالتی بقایای سرواژ را به یاد دهقانان روسی میآورد .

اما اکنون زمان تفسیر یافته است . جنبش دهقانانی رشد یافته ، دیگر لازم نیست اسن جنبش را در حال تولدینا مسم - این جنبش اکنون کاملاً در جریان است - امروز ، سؤال این نیست که چگونه دهقانان را به جنبش واداریم سؤال اینست که دهقانانی که اینک به حرکت درآمده اند چه خواستی را باید مطرح کنند ، مسلماً " ، در اینجا آنچه لازم است خواسته های قطعی و مشخص است . و از اینرو حزب به دهقانان میگوید که آنها باستی خواستار ماده تمامه تمامی زمینهای اربابان و دولت باشند .

این نشان می دهد که هر چیزی مکان و زمان خاص خود را دارد ، و این اصل همچنانکه ماده تمامه تمامی زمینها صدق میکند ، در مورد " اترزکی " هم صادق است .

II

دیدیم که جنبش کنونی در مناطق روستائی جنبشی است
برای رهایی دهقانان ، همچنین دیدیم که برای رهایی دهقانان
باز لازم است بقایای سرواژ نابود شود ، و برای نابودی ایس
قاپالارم است که تمام زمینهای اربابی و دولتی صادره شود ،
بطوریکه راه برای شیوه " نوین زندگی " برای توسعه
و سرمایه داری ، بازگردد .

فرض کنیم تمام اینها انجام شده باشد . آنگاه زمینها
گونه باید تقسیم شوند ؟ چه کسانی باید مالک زمینها شوند ؟
عده ای میگویند زمینهای صادره شده بایستی بصورت
مالکیت انفرادی به هر دهکده داده شود ، مالکیت خصوصی
من بایستی ببدرنگ لغو گردد ، هر دهکده بایستی مالک کامل
من بوده و آنگاه خودش زمینها را در " قطعات " مساوی بین
دهقانان تقسیم کند ، و بدین ترتیب سوسیالیسم فوراً " پیاده
شود و روستائی برده شده و بجای کار مزدوری ، زمین اجاره ای
مساوی وجود خواهد داشت .

سوسیال - رولوسیونرها بیا میگویند ، این " احتمالی
بردن زمین " خوانده میشود . آیا این راه حل برای ما قابل
قبول است ؟ بگذارید امتحان کنیم ، ابتدا به این بکنیم
بپردازیم که سوسیال - روسیونرها برای معمول داشتن سوسیال -
یزم میخواهند از مناطق روستائی آغاز کنند . آیا این امکان
پذیر است ؟ هر کس میداند که شهر خیلی پیش از ده رشد کرده ، شهر
برده است ، و در نتیجه ، هر گامی بسوی سوسیالیسم بایستی
شهر شروع شود . اما سوسیال - روسیونرها خواهان آنند که ده را
به رهبر شهر تبدیل ساخته و ده را محبور کنند که معمول داشتن

سوسالیزم را آغاز کند، که البته انکار به علت عقب ماندگی مناطق روستایی غیرممکن است. بنابراین روشن است که "سوسالیزم" - سوسال - رولوسونرها سوسالیزمی زودرس - خواهد بود.

حال به این نکته پردازیم که آنها می خواهند سیدرنگ سوسالیزم را در مناطق روستایی معمول دارند، معمول داشتن سوسالیزم به معنای ازسین بردن تولیدکالا لائی، ارسین بردن سیستم پولی، قطع نهادهای سرمایه داری، احتمالی کردن تمامی ابزار تولید است. اما، سوسال - رولوسونرها می خواهند، تمامی اینها دست نخورده باقی بماند و فقط زمین اجتماعی شود، که مطلقاً امکان پذیر نیست.

چنانچه تولیدکالا لائی دست نخورده باقی بماند، زمین نیز یک کالا خواهد شد و هرروز به بازار خواهد آمد، و "سوسالیزم" سوسال - رولوسونرها به هوا خواهد رفت، روشن است که آنها می خواهند سوسالیزم را در چارچوب سرمایه داری به اجرا درآورند، که البته ممکن نیست. دقیقاً بهمین علت است که گفته میشود "سوسالیزم" سوسال - رولوسونرها، سوسالیزم بورژوازی است.

در مورد زمین اجاره ای مساوی باید گفت که صرفاً عبارت توخالی است.

زمین اجاره ای مساوی مستلزم برابری مالکیت است. اما نابرابری مالکیت در میان دهقانان حاکم است، و انقیلاب دمکراتیک کنونی قادر به ازسین بردن آن نیست.

آیا میتوان تصور کرد کسیکه مالک هشت حفت گاو است، همان استفاده ای را از زمین خواهد برد که کسیکه اصلاً هیچ گاو ندارد؟ و تازه، سوسال - رولوسونرها معتقدند "زمین اجاره ای مساوی"

منتهی به نابودی کار مزدوری شده و ارزش سرمایه جلوگیری خواهد کرد، که البته، مضحک است. روشن است که سوسیال-رولوسیونرها میخواهند توسعه بیشتر سرمایه داری مبارزه کرده و چرخهای نا ربح را بعتت برگردانند. آنها جاب را در این راه می بینند. لیکن، علم بهامی آموزد که پیروزی سوسیال-لیزم منوط به توسعه سرمایه داری است، و هر کس که با این امر مبارزه کند با سوسیالیزم مبارزه کرده است. بهمین علت است که سوسیال-انقلابی ها را سوسیال-ارتجاعی می نامند.

ما راجع به این حقیقت که دهقانان نه در مخالفت با مالکیت بورژوازی بلکه بر اساس مالکیت بورژوازی است که با مالکیت فئودالی می جنگند، بحث زیادی نمی کنیم، آنها میخواهند زمینهای تصرف شده را بعنوان ملک خصوصی میان خود تقسیم کرده و راضی به "اجتماعی کردن زمین" نخواهند شد. از اینرو می بینید که "اجتماعی کردن زمین" قابل قبول نیست.

سایرین میگویند که زمینهای متصرفه باید به یک دولت دمکراتیک محول شده و دهقانان فقط بصورت احارده دارا بر دولت درآیند.

این را "ملی کردن زمین" می نامند.

آیا ملی کردن زمین قابل قبول است؟ چنانچه بیساز آوریم که دولت آینده، هر قدر هم که دمکراتیک باشد، معهذات دولتی بورژوازی خواهد بود، و واگذاری زمین به یک جنبش دولتی قدرت سیاسی بورژوازی را تقویت خواهد کرد، که خیلی به زیان پرولتاریای ده و شهر خواهد بود، و چنانچه در نظر بگیریم که دهقانان خودییزا "ملی کردن زمین" مخالفت کرده و -

راضی نخواهند شد صرفاً " اجاره دار باشند - خود بخود روشن خواهد بود که " ملی کردن زمین " مورد علاقه جنبش امروزی نیست . نتیجتاً " ملی کردن زمین " نیز غیر قابل قبول است . هنوز دیگران میگویند که زمین بایستی به ارگان های محلی دولت منتقل شده و دهقانان بایستی اجاره دار این ارگان ها باشند .

این را " مونیسیپالیزاسیون " (در اختیار شهرداری نهادن) زمین می گویند ؟

آیا این مونیسیپالیزاسیون زمین قابل قبول است ؟ معنی " مونیسیپالیزاسیون زمین " چیست ؟ معنی آن این است که ، اولاً " دهقانان زمینی را که یا مزارعه خود از اربابان و دولت صادره کرده اند بعنوان ملک شخصی خود دریافت نمی کنند . دهقانان به این مسئله چگونه برخورد خواهند کرد ؟ دهقانان میخواهند زمین را به عنوان ملک شخصی خود دریافت کنند ، میخواهند زمینهای صادره شده را بین خود تقسیم کنند ، آنها این زمینها را ملک خود می شمردند ، و وقتی به آنها گفته شود این زمینها به آنها داده نخواهد شد ، بلکه به ارگانهای محلی دولت واگذار خواهد شد ، آنها مطمئناً " با حاکمان " مونیسیپالیزاسیون " مخالفت خواهند نمود . ما نباید این را از یاد ببریم .

علاوه بر آن ، چنانچه دهقانان در شور و شوق انقلابی خود زمینهای صادره شده را به تملک خود در آورده و چیزی برای ارگانهای محلی دولت باقی نگذارند ، چه خواهد شد ؟ ما نمی توانیم جلوی آنها بایستیم و بگوئیم : دست نگه دارید ! این زمین باید به ارگانهای محلی دولت واگذار شود ، نه به شما ، برای شما ، همین بس است که اجاره دار زمین باشید .

ثانیا " ، اگرما شعار " مونیسیپالیزاسیون " را بپذیریم ،
 بایستی فوراً " آن رایه میان مردم برده و فوراً " برای دهقانان
 نان توضیح بدهیم که زمین را که بحاطرش می جنگند ، زمینی
 را که میخواهند مبادره کنند ، قرار نیست مالک آنها شود ، بلکه
 ملک ارگانهای محلی دولت خواهد شد . البته ، چنانچه
 حزب ارتغود زیادی در میان دهقانان بر خوردار باشد آنها ممکن
 است با این شعار موافقت کنند ، اما لازم به گفتن نیست ، که
 دهقانان دیگر با نورووق قبلی مبارزه نخواهند کرد ، و این
 مسئله برای انقلاب کنونی بسیار زیان بخش است . اما ، چنانچه
 حزب ارتغود زیادی بین دهقانان بر خوردار نباشد ، آنها با
 حزب را ترک گفته و بدان پشت خواهند کرد ، و این باعث اختلاف
 بین دهقانان و حزب شد ، و نیروهای انقلاب را بسیار تضعیف
 خواهد کرد .

به ما خواهند گفت : اغلب خواسته های دهقانان بر
 خلاف مسیر تکامل ، حرکت میکند ، ما نمی توانیم مسیر تاریخی
 را نادیده گرفته و همواره از خواسته های دهقانان پیروی کنیم
 - حزب بایستی اصول خود را حفظ نماید . این حقیقتی انجیلی
 است ! حزب بایستی با اصول خود هدایت گردد ، اما حزبی که
 تمامی تلاشهای فوق الذکر دهقانان را نادیده بگیرد ، اصول
 خود را باخته است . اگر تمامی دهقانان تصرف زمینهای اربابی
 و تقسیم آنها بین خودشان است ، برخلاف مسیر تاریخی حرکت
 نمی کند ، بالعکس اگر این تلاش های سخت کاملاً از انقلاب
 دمکراتیک کنونی نشاءت میگیرد ، اگر یک مبارزه واقعی
 علیه مالکیت فئودالی آنها میتواند بر پایه مالکیت بورژوازی
 برانگیخته شود ، و چنانچه تلاش سخت دهقانان دفیفا " همین
 روند را بیان می کند ، - آنگاه خود بخود روشن است که حزب

نمی توانند با این خواستهای دهقانان مخالفت کنند، زیرا امتناع از پیشینانی این خواستها به معنای امتناع از توسعه انقلاب خواهد بود. از سوی دیگر، اگر حزب اصولی دارد، اگر حزب نمی خواهد ترمز انقلاب باشد، بایستی به دهقانان کمک کند تا به آنچه که بخاطر آن در تلاشند، دست یابند، و آنچه که دهقانان بخاطر آن مبارزه می کنند از هر جهت —————

" مونیسیپالیزاسیون زمین " متفاوت است

III

دیدیم که نه " اجتماعی کردن " ، نه " ملی کردن " ، نه " مونیسیپالیزاسیون " زمین هیچکدام نمی توانند درستی منافع انقلاب کنونی را بر آورده کنند.

زمینهای مصادره شده را چگونه باید واگذار کرد؟ چه کسانی باید مالک آنها باشند؟

مسئله " ، زمینهای را که دهقانان مصادره می کنند بایستی به دهقانان و گذار کرد تا بتوانند آنها را بیسواس خودشان تقسیم کنند. این روشی است که باید بر اساس آن مسئله فوق را حل کرد. تقسیم زمینها موجب بسیج دارائی ها میشود. فقیرها زمین خود را فروخته و راه پرولتریزه شدن را پیش میگیرند، ثروتمندان زمینهای بیشتری بدست آورده و به اصلاح شیوه های کشاورزی خواهند پرداخت ، جمعی روستائی به طبقات تحریش خواهند شد، مبارزه طبقاتی حادی شعله ور خواهد گشت ، و به این ترتیب بنیان توسعه فراتر سرمایه داری ، گذارده خواهد شد. همانطور که می بینید تقسیم زمین ، منطفاً " از توسعه

افصاحی امروری نصیب میکند، از طرف دیگر شعار " زمین
بد دهقانان معلق است و فقط به دهقانان "، دهقانان
را دلگرم کرده به آنان توان جدیدی می بخشد، و به جنبش
انقلابی نوپای ماسطو روساخی کمک خواهد کرد که به اهداف -
خود حقو بخشد.

چنانچه می بینید، مسیر انقلاب حاضر، سیر دلالت بر
لرزم نسیم زمین دارد. مخالفین ما را مهم می کنند که به
این سرسب ما مجدداً " حرده بورژواری را وجود می آوریم،
و این شد دکترین مارکس را نصیب میکند. این چیزی است
که " روسیه انقلابی " (۱) می نویسد:

" شما با کمک به دهقانان در طمع بیدار اربابها،
ناآگاهانه کشاورزی حرده بورژواری که بر روی
خرابه هائی که هم اکنون اسکال کم و بیس رسد
یا همه کشاورزی سرمایه داری را دارا هستند یا
برجای سازید، آیا اردیدگاه مارکسیم اریدکس
این " گامی به عقب " نیست "

(مراجعه کنید به " روسیه انقلابی " شماره ۷۵)
باید گویم آقایان " متحد " واقعیات را قاطی کرده اند.
آنها اریاد برده اند که کشاورزی اربابی، کشاورزی سرمایه -
داری نیست، بلکه ایفاء کشاورزی فنودالی بوده و در نتیجه،
طمع بیدار بایها باعث نابودی بقیای کشاورزی فنودالی و نه
کشاورزی سرمایه دار. سکردد. آنها همچنین فراموش کرده اند
که اردیدگاه مارکسیم، کشاورزی سرمایه داری هرگز
مسئما " بدسال کشاورزی فنودالی بوجود نیا مده، و نه،
می تواند بیاید، بلکه پس آنها کشاورزی حرده بورژوایی
فرار می کرد، که کشاورزی فنودالی را معلق کرده و سیحسا "

کشاورزی سرمایه داری را توسعه میدهد. کارل مارکس در جلسه سوم "سرمایه" متذکر شده که از نظر تاریخی کشاورزی خرده‌بور - زوای بدنیال کشاورزی فئودالی ظاهر گشته و کشاورزی سرما - یه داری بزرگ فقط پس از آن رشد میکند - و هیچگونه جهش مستقیمی از یکی به دیگری وجود نداشته - و نمی تواند وجود داشته باشد. و ناره این "منفدین" عجب بامی گویند که گرفتن زمینهای اربابی و تقسیم آن ها، از دیدگاه مارکسیسم حرکتی قهرانی خواهد بود! حتما "بزودی آنها ما را متهم کرده و خواهند گفت از دیدگاه مارکسیسم "امحاء سرواز" نیز حرکتی قهرانی است، زیرا در آن زمان نیز مقدار ارضی از زمین ها از اربابان "گرفته شده" و به مالکین کوچک - دهقانان - داده شده بود!

چه افراد مضحکی هستند! آنها در کمی کنند ما مارکسیسم به هر چیزی از نقطه نظر تاریخی مینگرد، که از دیدگاه مارکسیسم، کشاورزی خرده بورزواپی در مقایسه با کشاورزی فئودالیسی پسرفته تر است که انهدام کشاورزی فئودالی و برقراری کشاورزی خرده بورزواپی شرایط لازم برای توسعه سرمایه داری هستند، که بدنیال خود، کشاورزی خرده بورزواپی را نابود خواهد ساخت...

اما اجازه بدهید این "منفدین" را آسوده بگذاریم. مهم این است که واگذاری زمین به دهقانان و تقسیم این زمینها بنیان بقایای سرواز را تخریب کرده، زمینه را برای رشد کشاورزی سرمایه داری آماده میسازد، تحرک زیادی به برآمدن فلابی می دهد، و دقیقا "بهمین دلایل است که این معیارها برای حزب سوسیال - دمکرات فایل فسیسمول است."

بنابراین ، برای امحاء بقایای سرواز ضروری است
نمای زمینیهای اربابان صادره شد ، و آنگاه دهقانان این
زمینها را به تعلق خود در آورده و بر حسب نیازشان بین خود
تقسیم کنند .

این است آن پایه ای که برنامه ارضی حزب بایستی بر
روی آن استوار باشد .

بما خواهند گفت : تمام اینها مربوط به دهقانان
است ، پس شما با پرولتاریای ده چه خواهید کرد ؟ ما پاسخ
میدهیم که ما برای دهقانان به برنامه ارضی دمکراتیک
احیاج داریم اما برای پرولتاریای شهروده برنامه
سوسیالیستی داریم ، که بیان کننده منافع طبقاتی آنهاست .
منافع کنونی آنها در ۱۶ مورد برنامه حداقل ما آورده شده که
مربوط به بهبود شرایط کار می باشد (مراجعه کنید به برنامه
حزب که در کنگره دوم تصویب شد) . در عین حال ، فعالیتهای
مستقیم سوسیالیستی حزب مشتمل است بر هدایت تبلیغ
سوسیالیستی در میان متکیلات های سوسیالیستی ، وادغام آنها
با پرولتاریای شهر در یک حزب سیاسی مجزا .

حزب در تماس دائم با این بخش از دهقانان بوده و به آنها
می گوید : تا آنجا که شما در حال انجام یک انقلاب دمکراتیک
هستید می بایستی رابطه خود را با دهقانان مبارز حفظ کرده
و علیه اربابان بجنگید ، اما از آنجا که در عین حال شما بسوی
سوسیالیسم گام برمیدارید ، ما طعانه با پرولتاریای شهر متحد
کنسه و سرخپناه علیه هر بورژوازی ، چه دهقان ، چه اربابان ،
مبارزه کنید . همراه دهقانان بسوی یک جمهوری دمکراتیک
همراه کارگران بسوی سوسیالیسم . این است آنچه
که حزب به پرولتاریای ده می گوید .

جنبش پرولتاریائی ویرنامه سوسیالیستی آن شعله های
آتش مبارزه طبقاتی را در جهت انهدام کل سیستم طبقاتی
برای همیشه ، مشتعل میسازد ، جنبش دهقانی ویرنامه
ارضی دمکراتیک آن ، شعله های مبارزه بین امتیازات
اجتماعی در روستاها را در جهت ریشه کن کردن تمام نظام
امتیازات اجتماعی مشتعل می کند .

بسمدا الحسری

در حاشیه نمی توانیم از تفسیر نامه یک خواننده خود -
داری کنیم که می نویسد:

" پس از تمام اس حرفها ، اولین مقاله -
رافاع نکرد ، آیا در امر صادره تمام رمیها
با حرب مخالفند؟ اگر نه ، چرا اس مقاله
اینطور می گوید ؟ "

نه ، خواننده ، عزیز ، در حرب هرگز با حسن صادره ای
مخالفند. در کنگره دوم ، همان کنگره ای که نکاتسی
راجع به " اسررکی " تصویب شد - در آن کنگره (۱۹۵۳) ، حرب
ارریان پلحانف ولننن اظهار داشت که اگر چنانچه دهقانان
بفای مصالحه کلیه رمیها را بکنند ، ما ارانان حمایت
خواهیم کرد * . دو سال بعد (۱۹۵۵) دو گروه حرب ، " بلشویکها "
در کنگره سوم ، و " منشویکها " در کنفرانس اول ، مصدمانه
اظهاردانند که آنها با تمام وجود از دهقانان در مورد مصالحه
کلیه رمیها پشتیبانی خواهد کرد ** .

پس در نامه های هر دو جریان حرب ، اسکرا و پروولتری ، همینطور
عصر جدید (۲) و آغار (۳) ، مکرراً " دهقانان را دعوت به مصالحه
کلیه رمیها میکردند... چنانچه مشاهده می کنید ، ارهمان
آغار حرب از مصالحه کلیه رمیها پشتیبانی کرده ، و نتیجتاً
شما هیچ زمینه ای ندارید که فکر کنید حزب به دنبال
جنبش دهقانی افتاده است . هور جنبش دهقانی واقعا " شروع
نشده بود ، و دهقانان هنوز حتی درخواست " اسررکی " هم نگرفته
بودند که ، حزب متلاً " در کنگره دوم خود درباره مصالحه کلیه

■ مراجعه کنید به یادداشتهای کنگره دوم
** = = = = سوم و " کنفرانس اول "

زمینها سخن می گفت .

معهدا چنانچه شما سوال کنید که چرا ما در ۱۹۵۳ ، خواست
ماده تمام زمینها را طرح نکردیم ، ما جواب شما را با
سوال دیگری می دهیم : چرا سوسیال - روسیونها ، در ۱۹۵۵ ،
خواست جمهوری دمکراتیک را مطرح نکرده بودند؟ آیا
آنها مخالف این خواست بودند* ؟ چرا در آن زمان آنها از ملی
کردن صحبت میکردند و امروزه اجتماعی کردن را در گوش
فریاد می کشند؟ امروز ما در برنامه ، حداقل خود از روزگار
هفت ساعته سخنی نمی گوئیم ، ولی آیا این بدان معناست که
ما با آن مخالفیم ؟ پس نکته چیست ؟ نکته فقط آنستکه در سال
۱۹۵۳ ، که جنبش هنوز ریشه نگرفته بود ، تقاضای ماده کلیه
زمینها صرفاً " بر روی کاغذ باقی مانده و جنبش هنوز ناتوان
تا در به هماهنگی با این خواست نبود ، و بهمین علت بود که
درخواست " اترزکی " در آن دوران مناسبتر بود . اما متعاقباً ،
وقتی که جنبش رشد کرد و خواسته های سیاسی مطرح کرد ،
حزب می بایستی که نشان دهد ، جنبش نمی تواند ، و نباید ،
روی " اترزکی " توقف کند ، و ماده تمام زمینها لازم است .
اینها واقعیات هستند .

و در آخر ، چند کلمه درباره "بولتن خبری " (مراجعه
کنید به شماره ۲۵۲۳) . این روزنامه مهملات زیادی درباره
" موازین " و " اصول " نوشته و کشف کرده که زمانی حزب
" اترزکی " را تا سطح اصول بالا برده بود ، از آنچه در بالا گفته
شد ، خواننده می تواند ببیند که این یک دروغ است و حزب
علینا " ماده تمام زمینها را از خیلی پیشتر تصریح کرده است .

* مراجعه کنید به " وظایف ما " منتشره از طرف اتحاد سوسیال

رولوسیونها ، ۱۹۵۵

این حقیقت که " بولتن خبری " قادر نیست بین اصول و مفاهیم عملی تما یز قائل شود، ما را نا راحت نمی کند. این روزنامه رشد کرده و یادخواهد گرفت که بین آنها تما یز قائل نشود. ■ ■

ال و ا (روشنائی) ، شماره های ۹۰۵ و ۱۰

۱۷، ۲۲، ۲۳ مارس ۱۹۰۶

امضاء : ژ . پوشویلی

ترجمه از : گرجستانی

■ ■ " بولتن خبری " درجائی " شنیده بود " که " سوسیال - دمکراتهای روس ... برنامه ارضی جدیدی تصویب کرده اند که مطابق آن ... آنها از مونیسیپالیزاسیون زمین حمایت می کنند. "

باید گویم سوسیال دمکراتهای روس هرگز چنین برنامه های تصویب نکرده اند. تصویب چنین برنامه ای کاریک کنفرانس است، اما هنوز کنفرانسی تشکیل نشده است. قطعاً، " بولتن خبری " توسط کسی یا چیزی گمراه شده است. " بولتن خبری " خوب بود اینقدر مهملات به خورد خوانند. گانش نمی داد.

- توضیحات -

- ۱- " روسیه انقلابی " - ارگان سوسیال - رولوسیونرها ، که از اواخر ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۵ منتشر میشد .
ابتدا توسط اتحاد سوسیالیست های انقلابی منتشر میشد ، اما در ژانویه ۱۹۰۲ به صورت ارگان مرکزی حزب سوسیالیستهای انقلابی درآمد .
- ۲- " عصر جدید " - اولین روزنامه بلشویکی قانونی بود که از ۲۷ اکتبر تا ۳ دسامبر ۱۹۰۵ درس پترزبورگ منتشر میشد .
بعد از بازگشت لنین از خارج ، " عصر جدید " زیر نظر او اداره - میشد . ماکسیم گورکی بخش فعالی در انتشار این روزنامه - داشت . با بیرون آمدن شماره ۲۷ " عصر جدید " ، روزنامه - توسط مقامات ضبط شد .
شماره ۲۸ آن ، آخرین شماره اش ، غیر قانونی بود .
- ۳- " آغاز " - روزنامه ای قانونی بود که از ۱۳ نوامبر تا ۲ دسامبر ۱۹۰۵ توسط منشویکها درس پترزبورگ منتشر میشد .
- ۴- " بولس جیری " - روزنامه ای گرجستانی بود که از ۱۸۹۶ تا ۱۹۰۶ در تفلیس منتشر میشد .
در پایان ۱۹۰۰ ، این روزنامه به بلدگوی ناسونالیستهای گرجستانی تبدیل شد ، و در ۱۹۰۴ ، به ارگان سوسیال - فدرالیست های گرجستان مبدل گشت .

مقاله "حزب کارگران، و دهقانان، در رابطه با تدوین برنامه" ارضی
حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه نگاشته شد که در تابستان ۱۹۵۲ بنام
هیئت تحریریه ایسکرا در زاربا بچاپ رسید و توسط کنگره دوم حزب
س.د.ک.ر در ۱۹۵۳ مورد تصویب قرار گرفت.

چهل سال از آزاد شدن دهقانان میگذرد، کاملاً "طبیعی است که بوده" مردم، نوزدهم فوریه سالگرد سقوط روسیه، فتوای کهن و آغاز عصری را که به مردم نوید آزادی و کامیابی میداد با شور و سوخ خاصى حسن بگیرند. اما نباید از خاطر برد که علاوه بر اسرار نعر حقیقی نسبت به سرواژ و کلیه، مظاهر آن، میالعه‌های بسیاری نیز در خطابه‌های سنایش، آمیزی که در این باب ایراد مینمود یافت میگردد. ارزیابی متداول کنونی از رفورم "بزرگ" مبنی بر "رهائی دهقانان همراه با اعطاء زمین به آنان به کمک عراصت دولتی". کاملاً "ریاکارانه و کاذب است. در واقع دهقانان ارزمین آزاد شدند، چون قطعه زمین‌هایی که قرن‌ها روی آن کسب کرده بودند بیرحمانه تکه پاره شده و صدها هزار دهقان از تمام زمین‌هایشان محروم گشته و در چهاریک یا حصه فقراً سکنی داده شدند. در حقیقت دهقانان بطور مضاعف غارت میشدند: نه تنها قطعه زمینشان خرد شد، بلکه ناحار بودند در ازاء زمینی که برایشان باقی مانده بود، زمینی که همواره در تصرف آنان بود، "عراصت" بپردازند. علاوه مبلغ این عراصت بمراتب بیشتر از ارزش واقعی زمین بود. ده سال پس از آزاد شدن دهقانان، خود مالکین نه مأمورین دولتی اجازه دادند به صورتحساب محصولی که دهقانان محصور شده بودند نه فقط برای زمینشان بلکه برای آزادی فردی خود نیز بپردازند رسیدگی نمایند. معهدا، گرچه دهقانان محصور بودند برای آزادیشان فدییه بپردازند، آزادی واقعی به آنها اعطاء نگردید. آنها بمدت سست سال "واسعه" موقتاً باقی ماندند. آنها پست‌ترین طبقه اجتماع باقی ماندند - و تا به امروز

باقی مانده‌اند؛ طبقه‌ای در معرض تنبیه بدنی مشمول مالیاتهای ویژه، محروم از حق ترک آزادانه، کمونهای نیمه فئودالی، حق فروش آزادانه زمین‌های خود و یا سکونت آزادانه در هر نقطه کشور، رفورم دهقانی ما بهیچوجه بیانگر مناعت حکومت نبوده، برعکس نمونه تاریخی بزرگی است از اینکه دولت خودگامه بهرکاری دست بزند تا چه حد آنرا حرکتی خراب سازد. زیر فشار شکست نظامی، مشکلات وحشتناک مالی و نارضایتی تهدیدکننده در میان دهقانان، حکومت در واقع مجبور به آزاد ساختن دهقانان شد، تزار خود، از ترس اینکه دهقانان از پائین خود را آزاد نمایند، پذیرفت که آنها ناپستی از بالا آزاد شوند، اما در جریان پیاده کردن آزادسازی، دولت برای ارضاء طمع سرف‌داران "حریجه‌دار شده" به هر کار ممکن و ناممکنی دست زد، او حتی به نقشه رذیلانه حایحائی افرادی که مأمور پیاده کردن رفورم بودند بستند نکرد؛ گرچه این افراد از میان خود نخبه‌ها برگزیده شده بودند؛ نخستین هیئت میانه‌ی منحل گردید و جای خود را به افرادی داد که نمیتوانستند از کمک به سرف‌داران که دهقانان را در تمام حریانات مربوط به تعیین حدود اراضی گول میزدند امتناع کنند. و نیز، انجام این اصلاحات بدون توسل به اقدامات تنبیهی نظامی و نه گلوله بستن دهقانانی که از قبول اسناد مالکیت^۲ امتناع میورزیدند ممکن نبود.

بنابراین تعجب‌آور نیست که بهترین مردمان آن دوره که اختناق آنان را از سخن گفتن باز میداشت با سکوتی محکوم‌کننده این رفورم بزرگ را استقبال کردند.

دهقان که از بیگاری آزاد شده بود، در حالی از زیر دست احراکنندگان
 رهورم بیرون آمد که خورد شده، غارت شده، خوار شده و به حصه ارضی
 خود وابسته شده بود بطوریکه هیچ حاره دیگری نداشت جز اینکه "داوطلبانه"
 بیگاری را بپذیرد. از ایلرو او از طریق "احاره کردن" همان زمینی که از
 قطعه زمین خود او صفاک شده بود از ارباب، مزدور کردن خود در فصل
 زمستان برای کار در باستان در ازای علفای که محور بود برای تغذیه،
 خانواده، گرسنه خود از مالک فرصت کسب، شروع به کسب زمین ارباب فعلی
 خود نمود. "کار آزاد" - که در بیابانهای که توسط یک کسب ژروبیست تنظیم
 شده بود، از دهقانان دعوت شده بود که بحاطرش "شکر پروردگار" را بحا
 بیاورند - بدون هیچ کم و کاست همان کار - خدمت و بندگی از آب درآمد.
 به ستم اربابان که از صدفه سر علو طبع ما موربسی که رهورم را ارائه و
 به انجام رساندند پابرجا مانده بود، ستم سرمایه افزون گشت، قدرت پول
 که حتی دهقان فراسوی را که نه ما یک رهورم نکب آور و نوام با اکراه بلکه
 با یک انقلاب قدرتمند بوده ای از بیوع ارباب فتودال رها شده بود درهم
 سکنه بود - بلکه این قدرت پول ما تمام سنگینی اش، بردوش موزیک سیخه سرف
 ما فرار گرفت. او محبور بود بهرقبسی که شده بول در بیاورد - برای پرداخت
 مالیات ها که در سیخه رهورم ... خواهانه افزایش یافته بود، برای احاره،
 رمس، برای خرید چند قلم پست ارکالاهای ساخت کارخانه که کم کم محصول -
 خانگی دهقانان را از دور خارج میکرد، برای خرید عله و غیره. قدرت پول
 به فقط دهقانان را درهم شکست بلکه آنانرا منقسم نمود، تعداد عظیمی از

دهقانان بطور مداوم خانه خراب شده و تبدیل به پرولتر شدند. از میان اطلب، گروه کوچکی کولاک‌های حربی و موزیک‌های منهور که به مزارع دهقانی و زمینهای دهقانان دست انداخته و هسه، بورزوآزی نوپای روستائی را شکل میدادند برخاست. چند سالی که از فورم میگذرد تا این روند با ایدار "عبردهقان کردن" دهقانان - یک پروژه نابودسازی کند و دردناک - منحص میگردد. دهقان به وضع گدایان نزول کرد. او با دام خود زیر یک سقف زندگی میکرد، لباس زنده برس داشت و از علف تغذیه میکرد. اگر حائی برای رفتن داشت از زمین خود فرار میکرد. و اگر مسوانست کسی را اعوا نماید تا یک قطعه زمین کوچک را که پرداخته‌هایی که به آن تعلق میگرفت بیش از درآمد حاصل از آن بود بحویل بگیرد، حاضر بود برای خلاصی خود بول بپردازد.

دهقانان در وضعیت گرسنگی مزمن بسر میبردند. در سالهای بدی محصول که با تناوب فزاینده‌ای تکرار میشد. دهها هزارتن از آنان بر اثر فحطی و امراض مسری میمردند.

چنین است وضع روستای ما، حتی در حال حاضر ممکن است سؤال شود که راه حل چیست؟ چگونه میتوان سرنوشت دهقانان را بهبود بخشید؟ دهقان بی چیز تنها یا پیوند دادن خود با جنبش طبقه کارگر، با کمک به کارگران در مبارزه‌شان در راه نظام سوسیالیستی، در راه تبدیل زمین و سایر وسائل تولید (کارخانه‌ها، تأسیسات، ماشین‌ها و غیره) به معالک اجتماعی، میتواند خود را از یوغ سرمایه آزاد کند. کوشش در جهت نجات

دهقانان از هجوم سرمایه‌داری، از راه حمایت‌کردن از زراعت در مقیاس کوچک و ملک‌داری کوچک معانت بهبوده از تکامل اجتماعی است. این معنی فریب دهقانان با این توهم است که خوشحالی حتی در نظام سرمایه‌داری امکان‌پذیر است. این معنی اشتقاق طبقات زحمتکش و ایجاد موقعیت ممتاز برای اقلیت بزیان اکثریت است. بهمین دلیل است که سوسیال‌دمکرات‌ها همواره علیه نهادهای بی‌معنی و نادرست از قبیل نهادهاییکه دهقان را از فروش زمینش منع میکنند، تعهد دسته‌جمعی، یا سیستم ممنوعیت دهقانان از ترک آزادانه، کمون‌روسانی و یا پذیرش آزادانه، افرادی از هر مرتبه، اجتماعی در آن، مبارزه می‌کنند. اما همان‌طور که مشاهده میکنیم، دهقانان فقط از ستم سرمایه، آنهم به مفیاسی که از ستم مالکین و بقایای سرواژ رنج می‌برند، در رنج نیستند. مبارزه، بی‌امان علیه این فید و بندها که بطرز غیرقابل توصیفی وضع دهقانان را بدتر میکند و دست و پایشان را می‌بندد، به تنها ممکن است بلکه برای تکامل اجتماعی کشور بطور کلی ضروری است. چه، فعراً بوسه‌کننده، چهل، بی‌حقوقی و حفت که دهقانان از آن رنج می‌برند، شان عقب‌ماندگی آسبائی را برکل نظام اجتماعی کشور ما کوبیده است. سوسیال‌دمکراسی به وظیفه‌اش عمل نکرده است، هرگاه از هرگونه کمکی به این مبارزه دریغ ورزد، این کمک، اگر بخواهیم بطور خلاصه بیان کنیم، باید بسکل انتقال مبارزه، طبقاتی به روسا محلی گردد.

میدانیم که در روسا‌های مدرن روسیه دونوع آنناگونیم طبقاتی در کنار یکدیگر وجود دارد: بحث تضاد بین کارگران کشاورزی و زمینداران.

و دوم تضاد بین دهقانان بمتابه یک کل و طبقه مالکین بمتابه یک کل .
تضاد نخستین رشد یافته و حادث تر میشود و تضاد دوم بتدریج تحلیل میرود .
اولی هنوز کلا " مربوط به آینده است و دومی اینک تا درجه قابل ملاحظه‌ای
بگذشته تعلق دارد . ولی علیرغم این مطلب ، در حال حاضر این تضاد دوم
است که حیاتی ترین و عملی ترین اهمیت را برای سوسیال دمکراتهای روسیه
دربردارد . بدون شک ، اینکه ما باید تمام فرصتهائی را که در اختیار ما
فرار میگیرد ، برای ارتقاء شعور طبقاتی کارگران مزدور کشاورزی بکار گیریم ،
اینکه ما باید توجه خود را به مهاجرت کارگران شهری به روستا (مثلا "
مکانیکهائی که برای ماشینهای خرمن کوب بخاری استخدام میشوند و غیره)
و به بازارهائی که در آن کارگران کشاورزی احیر میشوند معطوف نمائیم ، برای
هر فرد سوسیال دمکرات از مسلمات بشمار می آید .

اما کارگران روستائی ما هنوز بیش از آن به دهقانان وابسته هستند ،
هنوز بیش از آن زیر بار بدبختیهای دهقانان بعنوان یک کل هستند که در
حال حاضر و یا در آینده ، نزدیک ، جنبش کارگران روستائی را قادر سازند که
اهمیتی ملی کسب نماید . از طرف دیگر مسئله رویدن بقایای سرواز ،
بیرون راندن روح نابرابری ناشی از امتیازات اجتماعی ، و خواری دهها
میلیون "مردم عادی" از کل سیستم دولتی روس اکنون موضوعی واحد
اهمیت ملی است ؛ و حزبی که ادعا می کند پیشتاز مبارزه در راه آزادی است
نمیتواند آنرا نادیده بگیرد .

اکنون وضع رقت انگیز دهقانان (بشکل کم و بیش کلی) تقریبا "از طرف

عموم مورد تصدیق قرار گرفته است. سخن درباره "نقائص" فورم ۱۸۶۱ و لزوم کمک دولت به یک توضیح و اصحات رایج تبدیل گشته است. این وظیفه است که روش کنیم که بریتانی دهقانان دقیقاً "ناشی از سه طیفی است که بر دهقانان می‌رود، که دولت مدافع وفادار طبقات ستمگر می‌ماند، و اینکه کسانی که صادقانه و محذانه آرزو مند بهبود بنیادی وضعیت دهقانان هستند باید نه خواستار کمک دولت، بلکه رهائی از سه آن و کسب آزادی سیاسی باشند. از بالا بودن فوق‌العاده مبلغ غرامت و اقدامات حیرخواهانه از سوی دولت برای کاهش و تعدید مهلت پرداخت آن سخن می‌رود.

ولی پاسخ باین سخنان اینست که: پرداخت وجه غرامت کلاً، بدون هیچ کم و کاست جز غارت دهقانان توسط مالکین و حکومت که با اشکال قانونی و عبارات بوروکراتیک پوشانده شده است نیست؛ بی‌هیچ کم و کاست جز باحی که به سرفداران بخاطر آزاد کردن بردگانان پرداخت می‌نمود نیست. ما خواست العاف فوری و کامل پرداخت غرامت‌ها و مالیات معافیت از بیگاری و خواست اسرداد صدها میلیون که حکومت بزاری در طول سالها برای ارضاء طمع برده‌داران از مردم بیرون کشیده است به آنان را مطرح می‌مائیم. سخن از این می‌رود که دهقانان زمین کافی ندارند، و اینکه کمک دولت برای تأمین زمین بیشتر برای آنان ضروری است. پاسخ ما باین سخنان اینست که: دقیقاً "بدلیل کمک دولت (المنه کمک به مالکین) است که دهقانان در مواردی این چنین فراوان از زمینی که بدان نیاز حیاتی داشتند محروم شدند. ما خواست اسرداد زمین‌هایی که دهقانان از آن محروم گردیده‌اند - وضعی

که هنوز آنان را موظف به انجام کار اجباری و سنگاری مینماید، یعنی واقعا" آنان را در حالت سرواز نگاه میدارد به آنان را مطرح مینمائیم. ما خواست ایجاد کمیته‌های دهقانی را برای رفع تبعات آنتکاری که توسط کمیته‌های نجبا که حکومت تزاری ایجاد کرده علیه بردگان آزاد شده روا دانسته شده است مطرح می‌سازیم. ما خواستار آن خواهیم شد که دادگاه‌های صاحب اختیار برای کاهش پرداختی‌های فوق‌العاده زیادی که بابت زمین بوسیله مالکان که از موقعیت نومیدانه، دهقانان سوءاستفاده میکنند از آنها برون کشیده میشود تشکیل شود. دادگاه‌هایی که در آن دهقانان بتوانند نعام کسانی را که از نیاز مفرط آنان برای تحمیل قراردادهای اسارت‌آور به آنان سوءاستفاده می‌کنند بحرم رباخوار، تعقیب نمایند. ما از هر فرصتی برای توضیح این امر بدهقانان استفاده خواهیم کرد که افرادی که برایشان از قیومت یا کمک دولت کنونی صحبت می‌کنند یا احمقند یا نارایان، و بدترین دشمنان آنها هستند؛ که آن‌حیزی که بیش از همه مورد نیاز دهقانان میباشد عبارتست از رهائی از ستم بیرحمانه قدرت بوروکراسیک، برسمت شناخته‌شدن برابری کامل و مطلق آنان در تمام زمینه‌ها؛ تمام گروه‌های اجتماعی دیگر، آزادی کامل تغییر محل اقامت از جایی به جای دیگر، آزادی واگذاری زمین‌های خود و آزادی حل و فصل امور اشراکی خود و صرف عایدات اشراکی. پمشی یا افناده‌نرس واقعات در زندگی هرروستای روسیه هزاران مورد برای تبلیغ خواست‌های فوق ارائه میدهد. اس تبلیغ باستانی منی بر مردم نرس بازارهای محلی و مشخص دهقانان باشد؛ ولی نباید به

این نیازها محدود گردد، بلکه باید دائما "در جهت وسعت دادن به بیشتر دهقانان، در جهت تکامل شعور سیاسی آنان سمت داده شود. باید موفقیات ویژه‌ای که مالکین و به تبع آن دهقانان در دولت اشغال می‌کنند به دهقانان نفهم گردد. باید به آنها آموخت که تنها راه آزاد کردن روسا از ستم استبدادی انعقاد محمی از نمایندگان مردم و برانداختن سلطهٔ حوسرانهٔ مأمورین است. این که گفته میشود که خواست آزادی سیاسی برای کارگران قابل درک نیست، ادعای مزخرفی است. به سبب کارگرانی که سالها با کارخانه‌داران و پلیس درگیر یک نبرد مستقیم بوده‌اند و پیوسته بهترین جنگندگان را در معرض دستگیری و زجر و آزار حوسرانه می‌بینند، به آنها این کارگران، که دیگر با سوسیالیسم آمیخته شده‌اند، بلکه هر دهقان حساسی که اصلا "در باره" چیزهایی که اطرافش میگردد نمیباندد، درک خواهد کرد که کارگران برای چه میجنگند؛ اهمیت یک زمسکی سائور را که تمام کشور را از قدرت نامحدود مأمورین منغوررها سزاد درک خواهد کرد. سلیع بر پایهٔ مبرم‌ترین نیازهای بلاواسطهٔ دهقانان فقط هنگامی مقصود حسین نسیمی - یعنی اشغال مبارزهٔ طبقاتی به روسا - را برآورده میسازد که سواد افشای هر یکت "اقتصادی" را با خواست‌های مشخص سیاسی پیوند برند.

ولی اس سئوال مطرح میگردد که آیا "حزب سوسیال دمکرات کارگری" میتواند خواست‌هایی مثل آنچه که در بالا بدان اشاره رفت در برنامهٔ خود بگنجاند؟ میتواند سلیع در بین دهقانان را بعهده بگیرد؟ آیا این به

پراکندگی و انحراف نیروهای انقلابی ما که در حال حاضر خیلی زیاد نیست از مسیر اصلی و تنها مسیر قابل اتکا، جنبش منجر نمیگردد؟

چنین ایرادهائی بر عدم درک صحیح استوار است، ما باید خواست‌های مربوط به آزادی روستا از تمام بقایای بردگی را بطور مشخص در برنامه خود قرار دهیم، خواست‌هایی که میتواند بهترین بخش دهقانان را، اگر نه به عمل مستقل سیاسی ولی در هر حال به حمایت آگاهانه از مبارزه طبقه کارگر بخاطر آزادی برانگیزد - ما در اشتباه خواهیم بود اگر از اقداماتی که اثر - کننده بر تکامل اجتماعی دارد و یا از حمایت مصنوعی دهقانان جزء حیزدر مقابل رشد سرمایه‌داری، در مقابل توسعه تولید بزرگ، دفاع نمائیم، ولی اشتباه مصیبت‌بارتری مرتکب خواهیم شد اگر از سیج جنبش طبقه کارگر بمنظور انتشار خواست‌های دمکراتیک در میان دهقانان - که رفورم ۱۹ فوریه ۱۸۶۱ بعلت مسخ شدن آن بدست مالکین و مأمورین در انجام آنها عاجز ماند - تصور ورزیم.

حزب ما اگر قرار است که رهبری همه مردم را در مبارزه علیه حکومت مطلقه بدست گیرد، باید چنین خواست‌هایی را در برنامه‌اش بگنجانند. اما گنجانیدن این مواد بدین معنی نیست که ما نیروهای فعال انقلابی خود را از سهرها به روستاها فرا خوانیم، چنین چیزی مطرح نیست، شکی نمیتوان داشت که تمام اعضای مبارز حزب باید برای کار در شهرها و مراکز صنعتی متمرکز شوند؛ که فقط پرولتاریای صنعتی مستعد پیش برد یک مبارزه استوار و بوده‌ای علیه حکومت مطلقه، مستعد بکار گرفتن شیوه‌هایی از مبارزه مانند

سازمان دادن بظواهرات عمومی، یا انتشار منظم روزنامه سیاسی سراسری و
 توزیع وسیع آن میباشد. ما باید حواس‌های دهقانی را در برنامه خود
 بکنجاییم، نه برای فراحواندن سوسیال دمکراسیهای مؤمن از شهرها به روستا،
 نه برای پایبند کردن آنها به ده، بلکه برای هدایت آن عناصر فعال از
 سروهای کد نمیتوانند جز در بواهی روستائی ممری پیدا کنند و بکار گرفتن
 وابستگی‌هایی که تعداد زیادی از روشنفکران و کارگران با ایمان سوسیال
 دمکرات - بعلت خیر موفقیت ما روستا دارند، در راه امر دمکراسی و مبارزه،
 سیاسی بحاطر آزادی، جنین وابستگی‌هایی با رشد جنبش الراما افزایش
 یافته و مستحکم تر میگردد. ما مدتهاست که آن مرحله‌ای را که، یک دسته
 کوچک داوطلب بودیم، زمانیکه ذخیره نیروهای سوسیال دمکرات بمحافل
 افراد حوایی که همه "بسی کارگران می‌رفسند" محدود میگردد پشتر
 گذارده‌ایم. جنبش ما اکنون یک ارزش کامل ریر فرمان دارد، ارزشی از
 کارگران که درگیر مبارزه بحاطر سوسیالیسم و آزادی هستند ارزشی از
 روشنفکرانی که در جنبش شرکت داده‌اند و اکنون در تمام طول و عرض
 روسیه نافذ می‌شوند ارزشی از هواداران که دیدگان آنها با امید و ایمان به
 جنبش طبقه، کارگر دوحه شده و آماده‌اید هزاران خدمت بدان عرضه کنید.
 ما این طبقه عظیم را در مقابل خود داریم که تمام این ارزشها را طوری
 سازمان دهیم که ما را قادر سازد که به آنها سوره‌های رودگذر را سازمان
 بدهیم، بدینها صریح انقافی و یراکنده (و سایرین غیر خطرناک) بدست
 وارد کنیم، بلکه دانما و مصرانه دستن را در یک مبارزه مصممانه در تمام

جذبه‌ها تعقیب کرده، با حمله به حکومت مطلقه در هرکجا که تخم ستم می‌یاسد و نفرت درو میکند آنرا به سنوه می‌آوریم.

آیا میتوان بدون پاشیدن تخم مبارزه، طبقاتی و شعور سیاسی در میان ملت‌نویها دهقان به این هدف دست یافت؟ هیچکس نباید بگوید که پاشیدن این تخم غیرممکن است! نه تنها ممکن است، بلکه هم اکنون از هزاران طریق که بوجه ما را بخود جلب نمیکند و تحت کنترل ما نیست انجام میگیرد. وقتی ما سعاری را که باعث افزایش نفوذ ما میگردد مطرح نمائیم و پرچم شعار رهایی دهقانان روس از تمام بغایای سرواز شرم‌آور را بالا ببریم این پیرویه با وسعت و سرعت بسیار بیشتری بسط خواهد یافت. مردم روستا که به شهرها می‌آیند، حتی امروزه نیز با کنجکاوی و علاقه به مبارزه، کارگران که برایشان نامفهوم است مینگرند و اخبار آنرا به دورافتاده‌ترین قسمتهای کشور منتقل می‌کنند. ما میتوانیم و باید موقعیتی ایجاد نمائیم که کنجکاوی این تماشاچیان حای خود را، اگر نه به درک کامل، حداقل به این آگاهی مهم که کارگران بحاطر منافع تمام مردم مبارزه می‌کنند، همراه با همدردی روزافزون نسبت به مبارزه آنها بدهد. و هنگامی که این کار انجام شده باشد، روز پیروزی حزب انقلابی کارگران برحکومت پلیسی، با سرعتی فوق انتظار خود ما فرا خواهد رسید.

نگاشته شده در فوریه ۱۹۰۱

انتشار در آوریل ۱۹۰۱

در ایسکرا شماره ۳

مجموعه آثار انگلیسی

جانب سوروی جلد چهارم

صفحات ۲۸ - ۴۲۰

■ ما طرح یک برنامه سوسیال دموکراتیک را که در سرگیرنده، خواستهای
مردم است ریخته‌ایم. ما امیدواریم پس از اینکه این طرح با مشارکت "گروه
رهائی کار" مورد بحث و اصلاح قرار گرفت - آنرا بعنوان طرح برنامه حرمان
در یکی از شماره‌های آینده منتشر نمائیم.

"توضیحات"

۱ - چهارمک یا حصه، فورا - چهارمک، از اصطلاح "حداکثر" با حصه
"فرمان" مفداری که برای هر ناحیه، تعیین، توسط قانون زمان فورم ۱۸۶۱
تعیین گردید. بعضی از دهقانان این قطعه کوچک زمین را بدون پرداخت
عرامت از مالک دریافت میکردند. از ابرو حسین قطعی "سهم همه" و
دهقانانی که این قطعات را دریافت میکردند "دهقانان هبه‌ای" نامیده
میشدند.

۲ - دهقانان وابسته، موقت: دهقانانی که حتی پس از رفورم تا زمانی که شروع به پرداخت غرامت حصه، خود به مالک نمودند هنوز مجبور بودند برای استفاده از زمینشان وظایف معینی را انجام دهند (پرداخت مالیات معافیت از بیگاری و یا انجام بیگاری). از زمانیکه قرارداد پرداخت غرامت بسته شد دهقانان دیگر "وابسته" موقت نبودند و در زمره و دهقانان صاحب زمین به درآمدند.

۳ - این قباله‌ها اسنادی بود که روابط زمینداری بین دهقانان وابسته، موقت و مالکین را پس از لغو سرواژ در ۱۸۶۱ تعیین میکرد. قباله مقدار زمینی را که پس از "آزادی" برایش مانده بود نشان میداد، قباله همچنین فهرست وظایفی را که دهقان مجبور بود برای مالک انجام دهد در برداشت مبلغ غرامتی که می‌بایست از طرف دهقان پرداخت شود براساس این قباله تعیین میشد.

www.KitaboSunnat.com

